

ایراد اتهام به افراد؛ علل و پیامدها از منظر مبانی قرآنی و روایی

چکیده

ایراد اتهام به افراد یکی از مواردی است که در مبانی قرآنی و روایی دین مبین اسلام به شدت نکوهیده شده است. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده نشان می‌دهد عللی چون: کینه توزی حسد؛ ترس؛ فرار از مجازات؛ حرص؛ کبر و خود بزرگ بینی منجبر به این رذیله اخلاقی می‌گردد و تبعاتی همچون: سلب امنیت روانی؛ اشاعه فحشا؛ احساس بی اعتمادی؛ جنگ و خونریزی؛ بی آبرو کردن مؤمن؛ لعن و نفرین الهی؛ بی ایمانی و انتقام الهی را در پی دارد. در انتهای بحث نتیجه‌گیری می‌شود: عدم توجه به آموزه های قرآنی و روایی در خصوص ایراد اتهام به افراد می‌تواند منشاء بسیاری از آثار منفی اجتماعی و فردی باشد و گسترش این رذیله اخلاقی در سطح جامعه اسلامی می‌تواند امنیت جامعه را از بین برده و مانع رشد و تعالی مسلمانان گردد و در نهایت زندگی در چنین جامعه‌ای که افراد آن، دیگران را به راحتی مورد اتهام قرار می‌دهند، می‌تواند منجر به پیدایش بسیاری از بیماری‌های روحی و روانی چون افسردگی اضطراب و استرس در بین مردم گردد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اتهام به افراد، آبروی مؤمن، رذیله اخلاقی، تبعات اجتماعی.

مقدمه

ایراد اتهام به افراد یکی از رذایل اخلاقی است که در قرآن کریم و روایات، سخت نکوهیده شده، و از بزرگ ترین و زشت ترین گناهان به شمار رفته است. این صفت از ویژگی‌های بارز مشرکان و کافران و تکذیب کنندگان خداوند و رسالت پیامبر (ص) محسوب شده است در قرآن کریم، ایراد اتهام از اقسام دروغ به شماره آمده است که در سوره نحل آیه ۱۰۵ به آن پرداخته شده است:

«إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» کسانی دروغ می‌بافند که به آیات خدا ایمان ندارند اینان خود دروغ گویند. تفسیر این آیه این است که کسانی که ایمان به آیات خدا ندارند و به آن کفر می‌ورزند خدا بسوی معارف حق هدایتشان نمی‌کند، و عذابی دردناک خواهند داشت، و رسول خدا (ص) مؤمن به آیات خداست، چون او مهدی به هدایت خداست، و کسانی که ایمان به آیات خدا دارند می‌کنند که به آیات خدا ایمان نداشته باشند، و آنان دروغ گویند که دائماً بر دروغ‌گویی خود استمرار دارند، و اما مثل رسول خدا (ص) کسی که مؤمن به آیات خداست، هرگز به خدا دروغ نمی‌بندد و اصلاً دروغ نمی‌گوید. خداوند در سوره بقره آیه ۷۹، آل عمران ۹۴ و الانعام آیه ۲۱ افترا زننده بر خود را ظالمی خوانده که رستگار نمی‌شود. عذاب شدید خداوند چنین کافرانی را در بر خواهد گرفت و اینان از رحمت حق به دور خواهند ماند. (ب فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ) بقره/۷۹. «فَمَنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». آل عمران/۹۴. و مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ. الانعام/۲۱. پس این آیات نشان می‌دهد که گمان کسانی که امری را به دروغ به خدا نسبت می‌دهند، جز این است که در قیامت با رویی سیاه محشور می‌شوند و جایگاهی جز جهنم خواهند داشت؟/مأم صادق (ع) به مردی از اهل شام فرمود: ای برادر اهل شام حدیث ما را بشنو و بر ما دروغ مبیند، زیرا هر که بر ما دروغ ببندد، بر رسول خدا (ص) دروغ بسته و هر که بر رسول خدا دروغ ببندد به خدای متعال دروغ بسته است و کسی که بر خداوند دروغ ببندد، خداوند عزوجل او را عذاب خواهد کرد. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی تدوین یافته است این دغدغه را دارد که در جامعه امروز متأسفانه مشاهده می‌شود ایراد اتهام به افراد به راحتی امکان پذیر است و برخلاف اینکه در دادگاه‌ها اصل بر این است که تا اتهام اثبات نشده است محدودیتی برای افراد ایجاد نمی‌کند و افراد از اصل برائت بهره می‌جویند اما در جامعه وضعیت به نحو دیگری است با این توضیح که امکان دارد ایراد اتهام به افراد زندگی فردی را از بین ببرد و مختل نماید بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی مبانی قرآنی و روایی است که هرگونه ایراد تان به افراد را شدیداً محکوم می‌نماید بنابراین موضوع پژوهش از این جهت دارای نوآوری است که مسائل اجتماعی و حقوقی و همچنین دینی در این پژوهش تلفیق شده است در نهایت پژوهش حاضر درصدد این است تا به این سوالات پاسخ دهد که ایراد اتهام به افراد دارای چه مبانی قرآنی و روایی می‌باشد؟ و همچنین به این سوال پاسخ دهد که ایراد اتهام به افراد چه معایب و مضراتی در جامعه پدید می‌آورد. بنابراین در این پژوهش بعد از بیان مقدمات مبانی روایی و قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرد بعد از آن ایراد اتهام ریشه‌شناسی شده و معایب و مضرات آن نمایان می‌گردد.

پیشینه پژوهش

بررسی های به عمل آمده نشان می دهد که پژوهش مستقلی در قالب کتاب و یا مقاله در خصوص ایراد اتهام از منظر مبانی قرآنی و روایی و نقد دیدگاه های پیرامون آن وجود ندارد و صرفاً تحقیقات پراکنده ای در این خصوص به چشم می خورد. منتها بعضی از نویسندگان به طور گذرا و غیر مستقیم به موضوع اشاره کرده اند از جمله نویسنده ای در پژوهشی تحت عنوان: «نقد و بررسی تطبیقی شأن نزول آیه «إفک» با رویکردی تاریخی در خصوص ایراد اتهام به افراد مطالبی را عنوان نموده اند و نویسنده مقاله مذکور اتهام افک را نسبتی دروغ دانسته و پس از آن، این نوع اتهام زندگان را گناهکار و شایسته عذاب میداند. (حسینی، ۱۳۹۷: ص ۸۰) در مقاله مرتبط دیگری تحت عنوان: «تأثیرات منفی آفات سه کانه زبان (غیبت، تهمت و بهتان) بر زندگی اسلامی» نویسنده بیان می داد: از مباحث مهم در اخلاق اسلامی که در قرآن و روایات بدان بسیار توجه شده، آفات اعضای بدن است. بر مبنای آموزه های قرآن و سنت، هر یک از اعضای بدن، در کنار منافی که برای صاحب خود دارند، در صورت بهره برداری نادرست، مضاری نیز برای فرد می توانند داشته باشند. در این میان زبان یکی از اعضای است که به دلیل کاربست فراوانش در زندگی، لغزش های بیشتری نیز دارد و آفات های بیشتری را می تواند متوجه فرد سازد. این پژوهش، سه آفت مهم زبان یعنی غیبت، بهتان و تهمت را، که به نوعی با هم مرتبط هستند، از منظر قرآن و روایات مورد بررسی قرار داده و پس از تبیین حوزه معنایی این سه واژه و تفاوت های مفهومی میان آنها، به بررسی آسیب های این سه گناه در زندگی اسلامی پرداخته و پیامدهای آن را تبیین نموده است. (بهارستانی، پناهی، ۱۳۹۲: ۵۱)

مبناشناسی بحث

کتاب

دین به عنوان قانون و حیانی از طرف خالق، نگاه ویژه ای به انسان و نوع و نحوه زندگی او دارد و از دریچه نگاه دین، متهم کردن یک فرد به حرفی که نزده، منظوری که نداشته و یا کاری که انجام نداده، گناه بسیار بزرگی است. (نجفی، ۱۴۱۱ ه. ق، ج ۵۹: ۴۱) قرآن کریم، اصلی ترین کتاب قانون بشری از نگاه مسلمانان در مورد اتهام زدن به افراد، موضع تنیدی اتخاذ کرده و بیش از چهل آیه در این رابطه نازل شده است. این آیات گاهی در مورد افراد خاصی نازل شده و گاهی در مورد مسأله مشخصی حکمی صادر کرده اند؛ اما وجه مشترک بین همه، رد مسأله بهتان و عذابی است که گریبان تهمت زنده را خواهد گرفت.

مورد اول آیه ۱۲ از سوره نور می باشد. در آیه ۱۲ از سوره نور خداوند نسبت به افرادی که تهمت را می شنوند و در برابر آن سکوت می کنند گلایه کرده و می فرماید:

«لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ؛ چرا هنگامی که آن بهتان را شنیدید مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند این بهتانی آشکار است» عبارت «چرا گمان خیر به خودشان نبردند» به این مسأله اشاره می‌کند که آحاد جامعه باید سایرین را مانند خود بدانند و آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران بی‌سندد و چیزی را در حق خود مذموم می‌داند و از آن اکراه دارد، در مورد سایرین نیز آن را ناپسند بشمرد.

مورد دوم آیه ۲۳ و ۲۴ نور است.

«إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۲۳) يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

بی‌گمان کسانی که به زنان پاکدامن بی‌خبر از همه جا و با ایمان نسبت زنا می‌دهند در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند و برای آن‌ها عذابی سخت خواهد بود (۲۳) در روزی که زبان و دست‌ها و پاهایشان بر ضد آنان برای آن‌چه انجام می‌دادند شهادت می‌دهند» (۲۴)

شیخ طوسی گویند: وعید این آیه عام بوده و شامل جمیع مکلفین است، چنان که ابن عباس و ابن زید و بیشتر اهل علم معتقدند. ولی عده ای معتقدند که فقط درباره عائشه نازل گردیده و وعید آیه را مخصوص گردانیده‌اند برای کسانی که افتراء بر عائشه زده بودند و البته چنین عقیده ای درست نیست زیرا به عقیده اکثر علماء و مفسرین اگر آیه ای درباره سبب خاص نازل بگردد منحصر به سبب خاص مزبور نبوده بلکه عمومیت داشته و شامل حال جمیع مکلفین می‌گردد. چنان که نظائر آن در قرآن زیاد است مانند آیات لعان و قذف و ظهار و سایر موارد احکام، بنابراین آیه مزبور را عمومیت داده و احکام مربوط به آن را عام محسوب می‌داریم و موضوع قذف عائشه را نیز در ضمن آن قرار می‌دهیم. (طیب، ۱۳۷۸ ه. ش: ۴۲۰)

شان نزول آیات فوق بر می‌گردد به داستان ماریه قبطیه و ایراد اتهام به وی مبنی بر رابطه با جریح. رسول خدا صلی الله علیه و آله فوق‌العاده ناراحت و در عین حال خشمگین گردید و به علی دستور داد که درباره این موضوع تحقیق کند و حتی به وی فرمود: اگر جریح را با ماریه در حجره ببیند به فوریت او را به قتل برساند. علی برای انجام مأموریت شمشیر برداشت و به طرف حجره ماریه قبطیه به راه افتاد و موقعی رسید که جریح در حجره ماریه وی را به آداب معاشرت با بزرگان و کیفیت احترام نسبت به آنان تعلیم می‌داد. در این میان جریح متوجه گردید که علی با شمشیر، شتابان به طرف حجره ماریه می‌آید لذا ترسید و از حجره خارج شد علی او را دنبال نمود. جریح از ترس برف درخت خرمائی که در آن اطراف بود رفت و بر بالای آن جای گرفت. علی به وی گفت که از درخت پائین بیاید. جریح که از قضیه اطلاعی نداشت، گفت: اگر مرا امان بدهی از درخت پائین خواهم آمد. علی به وی امان داد در حین پائین آمدن جامه جریح به شاخه درخت خرما اصابت کرد و پاره شد در این میان معلوم گردید که وی مرد نیست لذا علی دست او را گرفت و نزد پیامبر آورد و موضوع مرد نبودن وی را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت. پیامبر در عین تعجب، خوشحال گردید. ابوبکر و عمر وقتی متوجه شدند از گفتار خویش عذر خواستند و توبه و استغفار نمودند سپس آیات ۲۳ و ۲۴ این سوره نازل گردید. (قرائتی، ۱۳۸۳ ه. ش، ج ۱۰: ۳۵۸).

مورد سوم آیه ۵۸ سوره احزاب است:

«وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا؛

و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه مرتکب عمل زشتی شده باشند آزار می‌رسانند قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند».

در ضررهای جسمی، قصاص و مقابله به مثل جایز است، «وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ» ولی در ضربه‌های روحی و آبرویی دستور مقابله به مثل نداریم. قرآن نمی‌فرماید که اگر کسی به شما تهمت زد، شما هم به او بهتان بزنید، بلکه به گناهکار هشدار می‌دهد و در صورت لزوم به دستور حاکم شرع حد می‌خورد. شاید بتوان از جمله «بَغْيٍ مَا اكْتَسَبُوا» استفاده کرد که آزار مسلمان خلافکار در چهار چوب قانون الهی مانعی ندارد. (تهرانی، ۱۳۹۸، ش. ۳۶۹).

مورد چهارم سوره نساء آیه ۱۱۲ است:

«وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا؛

و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد قطعاً بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است».

گفته اند خطا گناهی است که از روی عمد نباشد و اثم گناهی است که از روی عمد باشد و کسی که مرتکب یکی از آن دو شود و برای تبرئه خود نسبت بغیر دهد که ساحت آن منزّه باشد متحمل گناه آشکاری شده است که آن بهتان است و قبحش نزد هر عاقلی واضح است و معصیتش از دروغ و غیبت بیشتر و بزرگی گناهش بهت آور است مانند بشیر و برادرانش که خودشان مرتکب سرقت شدند و نسبت به لبید یا یهودی دادند و بنظر حقیر خطا و گناه تغایر مفهومی ذاتی دارند هر عملی که در آن تخطی از حق و عدول از صواب شود باین اعتبار خطا است و اگر خلاف وظیفه بنده در مقام مولی باشد باین اعتبار گناه است پس تغایر جنسی مفهومی اعتباری است و اتحاد اتفاقی خارجی حقیقی است و تردید باعتبار تعدد عنوان است که برای مزید ارتداع و تأکید ردع و ارشاد و تنبیه مذکور و معنون شده است و مؤید این معنی آنست که بهر دو نسبت کسب داده شده است با آنکه نسبت کسب بعمل سهو مناسب نیست و الله اعلم (تهرانی، ۱۳۶۰، ج. ۳: ۳۲۰)

روایت

در خصوص ایراد اتهام به افراد احادیث و روایات زیادی نقل شده است که هرگونه ایراد اتهام به افراد را مذموم و ناپسند میدانند از این رو نگارنده قصد دارد در ذیل این مبحث به شکل گزینشی صرفاً احادیث و روایات بارز منطبق بر بحث را ارائه نماید. قال علی (ع): «لَا قَحَّةَ كَالْبُهْتِ». (آمدی، ۱۴۱۱ ه.ق: حدیث ۴۴۳۸). هیچ بی شرمی و وقاحتی چون بهتان زدن نیست. در واقع در اینجا مولای متقیان ایراد اتهام را وقاحت تمام می‌داند و در واقع شخص وقیح کسی است که خدا را حاضر و ناظر بر خویش نمی‌داند. «أَلَمْ يَعْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي» (سوره علق، آیه ۱۴). در روایت دیگر از نبی اکرم (ص)

آمده: مَنْ بَهَتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ، حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَهُ فِيهِ. (صدوق، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۳: ۲) هر کس به مرد یا زن مؤمن بهتان زند یا درباره او چیزی بگوید که از آن مبراست، خداوند متعال در روز رستاخیز او را بر تلی از آتش نگه دارد تا از حرف خود درباره آن مومن برگردد. چون در این حدیث تکیه بر زن و مرد است به نظر می رسد منظور از ایراد اتهام جنسی است که از آن در فقه به عنوان «قَذْف» یاد می شود. قَذْف نوعی دشنام و به معنای متهم کردن شخصی به زنا یا لواط است و در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران جرم دانسته می شود. فقهای شیعه به طور اجماع بر اساس آیه ۴ سوره نور قذف کننده را مستحق مجازات، به میزان هشتاد ضربه شلاق دانسته اند آنان شرایط قذف را در «کتاب حدود» مقرر کرده اند، قانون مجازات اسلامی ایران نیز به پیروی از آن و با ترجمه عبارات کتب فقهی مواد ۲۴۵ تا ۲۶۱ خود را (کتاب دوم حدود، بخش دوم جرائم موجب حد، فصل چهارم قذف) به این موضوع اختصاص داده است. (عمرانی و زندی، ۱۳۹۶ ه.ش: ۵۵). در روایت دیگری از امام صادق مشاهده می کنیم افرادی که اتهامی به دیگران وارد می کنند جایگاه و منزلی زشت و ناپسند دارند و داوند در روز قیامت آنها را در بدترین شرایط نگه می دارد. قال امام جعفر صادق (ع): «مَنْ بَاهَتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً بِمَا لَيْسَ فِيهِمَا حَبْسَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي طِينَةٍ خَبَالٍ، حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ، قُلْتُ: وَ مَا طِينَةُ خَبَالٍ؟ قَالَ: صَدِيدٌ يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الْمُؤْمِسَاتِ يَعْنِي الزَّوَانِي» (صدوق، ۱۳۶۸ ه.ق: ۱۶۴). هر کس به مرد یا زن مؤمن بهتان زند خداوند در روز رستاخیز او را در طینت خبال نگه دارد تا حرف خود را پس گیرد. (ابن ابی یعفور می گوید) عرض کردم: طینت خبال چیست؟ حضرت فرمود: چرک و زردابه ای است که از شرمگاه زنان فاحشه بیرون می آید.

در روایت دیگری از امام صادق (ع) مشاهده می گردد، ایراد اتهام به افراد انقدر ناپسند و مذموم است که می تواند ایمان را از افراد سلب نماید. قال الامام الصادق علیه السلام: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ إِنَّمَا تَ الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ.» (کلینی، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۲: ۳۶۱) امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه مؤمن به برادر (دینی) خود تهمت زند، ایمان در قلب او ناپدید می شود همچنان که نمک در آب حل می شود. ایمان، عبارتست از جایگیر شدن اعتقاد در قلب، و این کلمه از ماده (ء م ن) اشتقاق یافته، کانه شخص با ایمان، بکسی که بدرستی و راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده، امنیت می دهد، یعنی آنچنان دل گرمی و اطمینان می دهد که هرگز در اعتقاد خودش دچار شک و تردید نمی شود، چون آفت اعتقاد و ضد آن شک و تردید است. (طباطبایی، ۱۳۷۸ ه.ق، ج ۱: ۲۱۴) در حدیث دیگری از نبی اکرم (ص) نقل است که مفتری رفیقی جز خودش ندارد. این موضوع توسط علم روانشناسی تایید شده است که انسان ها معمولا با افرادی همنشینی و مجالست دارند که عمده خصایص اخلاقی آنان شبیه همدیگر باشد. قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «أَوْلَى النَّاسِ بِالتَّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التَّهْمَةِ» (صدوق، ۱۴۲۰ ه.ق، ۲۸) قال أبو عبد الله عليه السلام: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَأْتِمِنَ مَنْ

عَشَّكَ، وَلَا تَتَّبِعْهُم مِّنَ ائْتَمَنَتْ.» (شهید ثانی، ۱۴۰۸ ه. ق: ۳۵) امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس تو را فریب داد نباید امین بشماری و هر کس را امین یافتی متهم نکن.

ریشه شناسی ایراد اتهام

انگیزه و زمینه هر گناه را باید در درون گناهکار جستجو کرد، گرچه عوامل بیرونی نیز در ارتکاب جرم بی تأثیر نیست. این جرم بزرگ نیز ریشه در حالات روحی متهم کننده دارد و اتهام، ثمره تلخ و مولود نامیمون صفات زشت درونی انسان است. این رفتار ناپسند در برخی از رذایل اخلاقی ریشه دارد که برخی از آن‌ها عبارتند:

کینه توزی

گاه انسان از روی دشمنی و نفرت انگیزه اتهام را فراهم می‌سازد و اتهام زننده با چنین عمل زشتی قصد انتقام از طرف را دارد و در صدد است که درون ملتهب خویش را التیام بخشد در پاسخ، شخص مقابل که شخصیتش در جامعه لکه دار شده سعی در تلافی دارد که معمولاً همراه با ارتکاب جرایم خشن همراه است که از آن به عنوان جرایم مبتنی بر نفرت یاد می‌شود. (پارسا و دیگران، ۱۴۰۰، ۱۶۹) در صورتی که اگر بذر ایمان در درون انسان کاشته شده باشد کینه (Grudg) هیچ چیز و هیچ کسی را به دل نمی‌گیرد همان طوری که در سوره بقره آیه ۹۷ و ۹۸ قرآن مجید آمده است: «قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّٰهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُدًى وَ بَشْرٰی لِّلْمُؤْمِنِيْنَ / ۹۸: مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلّٰهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيلَ وَ مِيكَالَ فَإِنَّ اللّٰهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِيْنَ» آنها می‌گویند: «ما با جبرئیل دشمن هستیم!» و: «کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست؛ چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؛ در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند؛ و هدایت و بشارت است برای مؤمنان / ۹۸: کسی که دشمن خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است؛ و) خداوند دشمن کافران است.

حسد

حسد (Jealousy) یکی از علل دروغگویی و عامل اتهام به به افراد است آنجا که برادران یوسف بخاطر حسادت که به او داشتند با اتهام زدن به او خواستند که از اعتبار او نزد پدر بکاهند و از طرفی دیگر خواستند با ریختن نقشه و بیرون بردن یوسف از شهر و کشتن او و دروغ گفتن به پدر از محبت‌های پدر نسبت به خود بهره بیشتری ببرند که در قرآن سوره یوسف آیه ۴ و ۵ به نمونه‌ای بارزی از این حسد پرداخته است. در آیه مذکور آورده شده: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ / ۵: قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلٰی إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (اکنون متذکر شو خواب یوسف را) آن‌گاه که یوسف به پدر خود گفت: ای پدر در عالم رؤیا دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه مرا سجده می‌کردند. / ۵: یعقوب) گفت: ای پسر کوچکم! خوابت را برای برادرانت بازگو مکن که برایت نقشه‌ای (خطرناک) می‌کشند. همانا شیطان، برای انسان دشمنی آشکار است.

ترس و فرار از مجازات

اشخاص پلید و آلوده ای یافت میشوند که برای رهایی از رسوایی یا مجازات، تبهکاری خود را به گردن دیگران می اندازند و درصدد برمی آیند که با قربانی کردن بی گناهان خود را پاک و بی گناه جلوه دهند، اتهامی که از چنین انگیزه ای نشأت می گیرد شاید، بدترین نوع اتهام باشد و سخت ترین عذابها را نیز در پی داشته باشد و قرآن نیز از آن به گناه آشکار یاد کرده است: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور، آیه ۱۲) چرا هنگامی که آن بهتان را شنیدید مردان و زنان مؤمن به خود گمان نیک نبردند و گفتند که این تهمتی آشکار است. شجره خبیثه این رذایل را در مساله ایراد اتهام، میوه ای به مراتب تلخ تر از غیبت میدهد؛ چرا که در غیبت، عیب و نقص واقعی و موجود در شخص، به او نسبت داده می شود؛ در حالی که در اتهام، آن چه را در او نیست، به او می بندند. (تهرانی، ۱۳۸۱ ه. ش، ج ۴: ۱۳۶) همچنین قرآن کریم در سوره در نسا آیه ۲۰ از افترا زدن مردان به زنان از ترس دادن مهریه آن ها سخن گفته و آمده: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»، اگر خواستید زنی به جای زنی دیگر بگیرید و او را قنطاری مال داده اید، نباید چیزی از او بازستانید آیا به آنان تهمت میزنید تا مهرشان را باز پس گیرید این گناهی آشکار است. شأن نزول این آیه این بوده که پیش از اسلام رسم بر این بود که اگر می خواستند همسر سابق را طلاق گویند و ازدواج جدیدی کنند برای فرار از پرداخت مهر، همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می کردند، و بر او سخت می گرفتند، تا حاضر شود مهر خویش را که معمولاً قبلاً دریافت میشد بپردازد، و طلاق گیرد، و همان مهر را برای همسر دوم قرار می دادند. (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۸۵).

حرص

یکی دیگر از ریشه های ایراد اتهام همان طوری که تفاسیر می گویند حرص است که در سوره بقره آیه ۱۷۴ آمده: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» آنان که کتابی را که خدا نازل کرده است پنهان میدارند، تا بهای اندکی بستانند، شکم های خود را جز از آتش انباشته نمی سازند. و خدا در روز قیامت با آن ها سخن نگوید و پاکشان نسازد و بهره آن ها عذابی درد آور است.

آیه بیان حال گروهی از دانشمندان یهود است که با آگاهی و به خاطر منافع شخصی خود بعضی از آیات و معارف تورات را کتمان می کردند و یا حتی با کمال بی ایمانی و پررویی آن ها را تغییر می دادند و هدف شان این بود که با این کار بهای کمی بدست آورند پس وای بر آن ها از آنچه با دست خود می نویسند و وای بر آن ها از آنچه با این خیانت ها بدست می آورند و می گویند که از جانب خدا نازل شده است (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۱، ۲۹۸) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَوْ كَانَ لِإِنِّ آدَمَ وَآدِيَانِ مِنْ ذَهَبٍ لَابْتَغَى وَرَاءَهُمَا ثَالِثًا وَ لَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ وَ يَتُوبُ عَلَيَّ مَنْ تَابَ وَ إِمَامٌ» پیامبر خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرموده است: اگر فرزند آدم دو بیابان پر از طلا داشته باشد، خواهان

بیابان سوّمی است، و باطن فرزند آدم را جز خاک چیزی پر نخواهد کرد، در حالی که به آنجا که باید باز گردد باز می‌گردد. (ابن فراس، ۱۳۰۱ ه.ق، ج ۱: ص ۳۰۵) صادق علیه السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند بی‌نیازترین مردم کسانی می‌باشند که حریص نباشند. (عطاردی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۵۹۳).

کبر و خود بزرگ بینی

کبر و خود بزرگ بینی یکی دیگر از زمینه‌های اتهام و بهتان است که به اعتقاد بسیاری از علمای اخلاق، ام‌المفاسد و مادر همه رذایل اخلاقی و ریشه تمام بدبختی‌ها و صفات زشت انسانی است که در سوره بقره، آیه ۸۷ به آن پرداخته شده و گفته که بنی اسرائیل با افترا به انبیا و سایر اقوام و تکذیب کردن حق و دروغگو خواندن پیامبران سبب افترا به خداوند شدند. تا جای که تعدادی از آن‌ها را گشتند. «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقِينَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكَلِمًا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» تحقیق موسی را کتاب دادیم و از پی او پیامبران فرستادیم و به عیسی بن مریم دلیل‌های روشن عنایت کردیم و او را به روح القدس تأیید نمودیم و هر گاه پیامبری آمد و چیزهایی آورد که پسند نفس شما نبود سرکشی کردید، و گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید.

متکبر در عین بزرگی فروختن به دیگران در اعماق جان خود احساس زبونی و حقارت می‌کند و در می‌یابد کمبودهای فراوانی دارد و از آنها رنج می‌برد. اما به جای آن که با تدبیر و پشتکار از کمبودهای خود بکاهد، بر آنها پرده می‌نهد و به دیگران تکبر می‌ورزد تا عقده حقارتش گشوده شود و بدین وسیله بتواند کمبود خود را جبران کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ج ۲: ۳۲۰).

تبعات ایراد اتهام به افراد

نظر به این که ایراد کننده اتهام هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسد و برای اغراض شیطانی خود همه کس را با تیر تهمت هدف قرار می‌دهد، می‌توان گفت: پیامدهای ناهنجار بهتان قابل شمارش نیست؛ با این حال، برای نمونه به چند مورد از تبعات بارز ایراد اتهام به افراد اشاره می‌شود.

سلب امنیت روانی

سلب امنیت روانی یکی دیگر از پیامدهای شوم ایراد اتهام در این دنیا است که بعضی افراد با ایراد اتهام به بعضی دیگر و حتی گاهی مواقع با دادن خبرهای دور از واقعیت در بین مردم ایجاد ناامنی و بی‌اعتمادی می‌کنند که از دیدگاه قرآن یکی از اصلی‌ترین دلایل ناامنی اجتماعی همین ایراد اتهام به افراد است که در سوره آل عمران آیه ۱۴۴ به آن پرداخته شده است. آنجا که مشرکان با دادن خبر دروغ گشته شدن حضرت محمد می‌خواستند امنیت روانی را در بین مبارزین جنگ کم کنند. در آیه مذکور آمده: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ

وَمَنْ يُنْقَلِبْ عَلَيَّ عَقْبِيهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». و محمد جز فرستاده ای که پیش از او هم پیامبرانی آمده و گذشتند نیست آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیده خود برمی گردید و هر کس از عقیده خود بازگردد هرگز هیچ زبانی به خدا نمی رساند و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می دهد.

اشاعه فحشا

مطرح کردن گناه و کارهای زشت دیگران، خواه راست باشد یا دروغ، قبح گناه و حرمت جامعه را می شکند و دیگران را نیز به ارتکاب آن تشویق می کند. چنین کاری در قرآن اشاعه و ترویج فحشا و زشتی‌ها محسوب و محکوم شده و تهمت به دیگران از مصادیق بارز آن است: در سوره نور داستان تهمت زدن منافقان به یکی از همسران پیامبر (ص) مطرح شده و ضمن رسوا کردن بهتان زندگان و تبرئه آن زن، چنین کاری را اشاعه فحشا دانسته و شایعه پراکنان را به عذاب دردناک وعده داده است. گروهی از مفسران اهل سنت و نیز برخی از مفسران شیعه بر این باورند که آیه «إفك» درباره عایشه نازل شده است و خداوند او را از تهمتی که برخی از صحابه به او زدند، تبرئه کرده است. در این باره خود عایشه روایتی نقل می کند که براساس آن، تنها آیه ای که درباره وی نازل شده است، آیه یازده سوره مبارکه نور یعنی آیه إفك است. مطابق نقل از عایشه، محمد بن اسماعیل بخاری در صحیح آورده است: «ما انزل الله فينا شيئاً من القرآن الا ان الله انزل عذري» (علامه حلی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۴: ۱۸۷۵)

احساس بی اعتمادی

سرچشمه بی اعتمادی افراد نسبت به همدیگر سوء ظن است با شروع سوء ظن و بدبینی تهمت رواج پیدا می کند و افراد نسبت به یکدیگر بدبین میشوند و علاوه بر این اشخاصی که مورد اتهام قرار گرفته اند. از دیگران نیز سلب اعتماد می کنند و این جو بدبینی دامنه اش گسترده خواهد شد، بطوری که دیگر کسی به کسی اطمینان نخواهد کرد و چنین حالتی برای جامعه انسانی یک فاجعه است. قرآن در سوره صافات آیه ۳۶ از کسانی سخن می گوید که با گفتن اینکه پیامبر شاعری دیوانه پیش نیست می خواستند اعتماد مردم را نسبت به رسالت پیامبر و دین او کم کنند. وَ يَقُولُونَ إِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ می گفتند: آیا به خاطر شاعر دیوانه ای خدایانمان را ترک گوییم. در این آیه از آنجا که عمل به مضامین توحید اینچنین دشوار است، می بینیم بسیاری از مردم در برابر اندرز تکبر می ورزند و به موعظه گوش نمیدهند، و غرور و تکبر آنها را به گناه می کشاند، و حتی صاحب رسالت را به بی ارزشترین تهمتها متهم می کنند، چنان که درباره پیامبران گفتند که ایشان شاعرانند (و بدینوسیله حکمت آموزی و رهنمایی را از ایشان نفی کردند) سپس گفتند که ایشان به یقین دیوانه اند (مترجمان، ۱۳۷۷ ه.ش، ج ۱: ۲۱۴).

جنگ و خونریزی

وقوع جنگ و خونریزی، پیامد اختلا فهای عقیدتی و یکی از پیامدهای شوم بهتان در این دنیا است که در سوره مائده آیه ۶۴ به آن پرداخته شده است آنجا که اهل یهود با تکذیب کردن پیامبران و حقانیت آن‌ها باعث جنگ و خونریزی در زمین می شدند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»: یهود گفتند که دست خدا بسته است. دست‌های خودشان بسته باد و بدین سخن که گفتند ملعون گشتند دست‌های خدا گشاده است به هر سان که بخواهد روزی می دهد و آن چه بر تو از جانب پروردگارت نازل شده است، به طغیان و کفر بیشترشان خواهد افزود ما تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنده ایم هر گاه که آتش جنگ را افروختند خدا خاموشش ساخت و آناندر روی زمین به فساد می کوشند، و خدا مفسدان را دوست ندارد.

بی آبرو کردن مؤمن

کمترین تأثیری که ایراد اتهام به دیگران از خود بر جای می گذارد، پرده دری و بی آبرو کردن متهم است که خود گناهی بزرگ است و خداوند در سوره احزاب آیه ۶۹ به آن پرداخته است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا» ای کسانی که ایمان آورده اید، مباشید مانند آن کسان که موسی را آزرده کردند و خدایش از آنچه گفته بودند برایش ساخت و نزد خدا آبرومند بود. آیه به دو معنا تفسیر شده اشاره به زید و زینب است که پس از طلاق دادن زید زینب را و ازدواج رسول (ص) با او بعضی از منافقین طعنه بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم زدند که عاشق زن پسر خوانده خود شده و چنین عمل بر حضرتش سزاوار نبود این بود که آیه آمد و حضرتش را تبرئه نمود که بامر خدا این عمل انجام گرفته. ۲- راجع باذیت موسی (ع) است بقولی قارون نسبت زنا بحضرتش داد که گویند مال زیادی بزنی زانیه ای داد که وقتی حضرت موسی علیه السلام مشمول موعظه است بین مردم بلند شود و بگوید موسی (ع) با من زنا کرده و آن زن زانیه عکس از بین مردم برخواست و گفت قارون بمن چنین و چنان گفته و من هرگز بیغمبر خدا نسبت دروغ نخواهم داد. (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱. ش، ج ۱۰: ص ۲۶۰) علی (ع) فرموده: من ضن بعرضه فليدع المراء؛ هرآنکه آبروی خویش را بخیل و خواهان است باید نزاع و ستیز (با بی آبرویان) را از دست بگذارد. (باقری، ۱۳۶۳. ش، ج ۱۲۹۱).

لعن و نفرین الهی

قرآن مجید کسانی را که به زنان پاکدامن تهمت عمل زشت می زنند لعنت کرده است. «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» نور/۲۳: کسانی که بر

آنان پاکدامن و بی خبر از فحشا و مؤمن تهمت زنا می زنند، در دنیا و آخرت لعنت شده اند و برایشان عذابی است بزرگ. پیام این آیه این است که بی خبری از فساد و مراکز فساد و افراد فاسد، برای زن ارزش است. «العافلات» و همچنین در آیه ۲۴ نور آمده. «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» روزی که زبانشان و دستهایشان و پاهایشان به زینشان بر کارهایی که می کرده اند شهادت دهند و در در دادگاه قیامت، انسان مالک اعضای خود نیست (قرائتی، ۱۳۸۳ ه.ش، ج ۸، ۱۶۶).

بی ایمانی

بی ایمانی یکی دیگر از پیامدهای شوم بهتان در آخرت می باشد. کسی که حاضر می شود بندهای از بندگان خدا را از هستی ساقط کند و آبروی او را در جامعه ببرد یا به وجود خدا ایمان ندارد و یا ایمانش آن قدر ضعیف است که نه خدا را حاضر و ناظر اعمال خود می داند تا از او حیا کند و بندگانش را بی آبرو نکند و نه به روز جزا و حساب آن اعتقاد دارد که از بیم آن دست به این گناه نزند. یکی از جهات سستی در عمل، سستی عقیده و ایمان است. شک و تردید حاکی از عدم باور قلبی است و چنین چیزی در عمل و رفتار انسان نیز اثر می گذارد و باعث می شود عمل صالح از او سر نزند. و این افراد در واقع بی ایمانی خویش را ثابت می کنند و با غوطه خوردن در مرداب گناه، جامه ایمان را از تن در آورده‌اند. (پیشین، ج:ص ۲۱). که در سوره انعام آیه ۱۲۵ به آن پرداخته است «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَانَمَا يَصَعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» هر کس را که خدا خواهد که هدایت کند دلش را برای اسلام می گشاید، و هر کس را که خواهد گمراه کند قلبش را چنان فرو می بندد که گویی می خواهد به آسمان فرا رود. بدین سان خدا به آنهایی که ایمان نمی آورند پلیدی می نهد.

در این آیه نخست می گوید: هر کس را که خدا بخواهد هدایت کند سینه اش را برای پذیرش حق گشاده می سازد و آن کس را که بخواهد گمراه سازد سینه اش را آنچنان تنگ و محدود می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا رود "فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَانَمَا يَصَعَّدُ فِي السَّمَاءِ"؛ و برای تاکید بیان می کند خداوند اینچنین، پلیدی و رجس را، بر افراد بی ایمان قرار میدهد و سراپای آنها را نکبت و سلب توفیق فرا خواهد گرفت. كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ه.ش، ج ۵ ص ۴۳۴) امام صادق (ع) فرمود إذا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ أُنْمَاثَ الْإِيمَانِ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ؛ وقتی مؤمنی به برادرش تهمت می زند، ایمان از دلش رخت برمی بندد چنانکه نمک در آب ذوب میشود. (مجلسی، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۲، ۳۶۱).

انتقام الهی

سرانجام دست انتقام الهی گلوی بهتان زننده را خواهد فشرد و تقاص بازی کردن با آبرو و حیثیت بندگان را خواهد گرفت؛ امام رضا (ع) از پدران از رسول اکرم (ص) چنین نقل می کند: منبت مؤمنه او مؤمن او قال فیهما لیس فیها قامه الله تعالی یوم القیام علی تأمنار حتی یخرج مما قالهفی؛ هرکس به زن یا مرد مؤمنی بهتان بزند یا چیزی را به او ببندد، خداوند روز قیامت بهتان زننده را بر تپه ای از آتش نگه میدارد تا از عهده گفته خویش برآید. (مجلسی، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۷۵، ۱۹۴).

قرآن مجید کسانی را که در برابر تهمت زننده حالت بی تفاوتی دارند یا با سکوت خویش مهر تأیید بر تبهکاری او می زنند، توبیخ کرده است. لولا إذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خیرا و قالوا هذا إفک مبین. نور ۱۲؛ چرا وقتی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان مؤمن نسبت به خود از جمله آن بی گناهی که متهم واقع شده بود) گمان خیر نبردند و گفتند: این بهتانی آشکار است. آیه مبنی بر توبیخ است هنگامی که خبر ناسزا و بهتان هتک آمیز را از مردم منافق و دورو شنیده و می شنوید بچه جهت گمان خیر و صلاح درباره متهم نمی برید. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۳۴۰، ۱۱).

بحث و جمع بندی

یکی از بزرگترین راه های رواج ایراد اتهام به افراد و پخش آن، زود باوری افراد ناآگاه است. دشمن همیشه شکار خود را از میان این عده بر می گزیند، به همین جهت، قرآن کریم در سوره حجرات آیه ۶، در زمینه جلوگیری از پخش تهمت می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰی مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»: ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی برایتان، خبری آورد، تحقیق کنید، مبدا از روی نادانی، به مردمی آسیب برسانید، آنگاه از کاری که کرده اید، پشیمان شوید. اسلام در موضوع مهم اجتماعی نسبت زنا که با آبروی دستهای رابطه مستقیم دارد، دستور داده است که به گزارش یک فرد عادل و راستگو نیز ترتیب اثر ندهد، تا این که سه نفر عادل دیگر، به شاهد اول، ضمیمه گردند. در غیر این صورت اگر شاهدان عادل به چهار نفر نرسند نه تنها به شهادت شاهدان ترتیب اثری داده نمی شود بلکه همه را «حد بهتان» یا قذف می زنند (شرح آن در مطالب پیشین رفت) می زنند تا آبروی انسان بی گناهی نرود این آیه در واقع دو اصل عقلایی را بیان می کند اول عمل کردن به خبر واحد موثق و مورد اطمینان دوم: عدم اعتنا به خبر آدمی که پای بند راست و دروغ نیست. (قرشی، ۱۳۷۷ ه.ش، ج ۱۰: ۲۷۲).

سخن از طرفی بهترین عبادت و از طرف دیگر زشت ترین معصیت است. پس بسیاری از کسانی که از سخن گفتن نادم و پشیمانند اما بخاطر سکوت هیچگاه اظهار ندامت نمی کنند. پس یکی از صفات پسندیده اخلاقی که فواید زیادی دارد خاموشی است و کسانی که زبان خود را کنترل کرده و سکوت را پیشه خود سازند، کمتر مرتکب بهتان میشوند (مهدوی کنی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۲۴). خداوند در سوره نحل آیه ۱۱۶ فرموده: ولا تقولوا لما تصف ألسنتكم الكذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا علی الله الكذب إن الذین یفترون علی الله الكذب لایفلحون؛ تا بر خدا افترا بندید، برای هر دروغ که بر زبانتان

می آید مگویند که این حلال است و این حرام کسانی که به خداوند دروغ می بندند رستگار نمی شوند. از گفتن حرفهایی بی اساس که زبان هایتان عامل شیوع آن هستند اجتناب کنید و نگویید این حلال است و آن حرام تا حکمی نادرست را به خداوند نسبت دهید، کسانی که بر خداوند دروغ می بندند روی رستگاری را نخواهند دیداز آن جا که بنا به اعتقاد مسلمانان مردم در قیامت برای بازپرسی اعمال خویش در حضور الهی ظاهر می شوند، خداوند به ما هشدار می دهد که مراقب اعمال خود باشیم در روزی که حتی زبان، دست و پا هم برای اعمال ما شهادت می دهند یعنی این یک دروغ آشکار است که تنها از زبان شما (مشرکان) تراوش کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ۴۴۲). امام ابوالحسن الرضا (ع) فرمود: زبانت را نگه دار تا عزیز بمانی، و عنان خود را بدست مردم مده که خوار و زبون شوی (نراقی، ۱۳۷۷.ه.ش، ج ۱، ۳۱۱). انسان باید از اغراض شخصی بپرهیزد و خشم خود را فروبرد در اینجا در سوره بقره آیه ۱۰۹ به این موضوع پرداخته است و کثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفارة حدان من عند أنفسهم من بعد ما تبین لهم الحق فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی الله بأمره إن الله علی کل شیء قدیر بسیاری از اهل کتاب با آنکه حقیقت بر آنها آشکار شده و از روی حسد، دوست دارند شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر باز گردانند. عفو کنید و گذشت کنید، تا خدا فرمانش را بیاورد، که او بر هر کاری تواناست. این آیه در شأن گروهی از جهودان آمده است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸.ه.ق، ج ۲: ۱۰۶)

همه افراد اتهام زننده، بدون جهت، تیر اتهام به کسی نمی زنند، بلکه این، خود شخص است که با قرار گرفتن در موضع مشکوک و اتهام ساز یا معاشرت با افراد ناشایست، خود را هدف تیر اتهام قرار میدهد. از این رو اسلام دستور می دهد که از نشست و برخاست با افراد ناباب دوری کنید و از قرار گرفتن در جایگاهی که سبب ایراد اتهام می شود بپرهیزید (نراقی، ۱۳۸۵.ه.ش، ج ۱: ۳۳۸) حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام اینگونه وصیت می کند. ایاک و موالین التهمه، و المجلس المظنون بها لسوء فاتقرینا لسوء ی جلیس؛ ؛ از رفت و آمد به جاهای تهمت برانگیز و مجالسی که گمان بد به آنها برده میشود بپرهیز؛ زیرا دوست بد همنشین خود را می فریبد (مجلسی، ۱۳۷۹.ه.ش، ج ۷۵، ص: ۹۰). همچنین امام علی (ع) فرمود: من دخل مداخل السوء اتهم؛ (هر که به جاهای بد رفت و آمد کند، مورد بدگمانی و تهمت واقع شود. مجلسی، ۱۳۷۹.ه.ش، ج ۷۵، ۹۱).

نتیجه می گیریم که : نادیده انگاشتن حرمت و ناپسندی ایراد اتهام به افراد می تواند منشاء آثار منفی اجتماعی و فردی گردد و شیوع این رذیله بد اخلاقی در سطح جامعه می تواند امنیت فردی انسانها را از بین ببرد و مانع رشد و ترقی جامعه انسانی گردد و مسلمانان در فضایی آکنده از بدبینی و بی اعتمادی به یکدیگر زندگی کنند. در نتیجه زندگی در چنین فضایی می تواند منجر به پیدایش برخی بیماریهای روحی و روانی چون افسردگی، اضطراب و استرس در بین مردم گردد و مسلمانان دائما در حالت ترس از اتهامات ناروا که می تواند زندگی ایشان را تحت تاثیر قرار دهد قرار می گیرند.

منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۷۱ ه. ش. ترجمه الهی قمشه ای.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۸۳ ه. ش. ترجمه جعفر شهیدی.
۳. آژیر، حمید رضا، ۱۳۸۱ ه. ش. بهشت کافی (ترجمه روضه کافی)، قم: انتشارات سرور، چاپ اول.
۴. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ه. ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
۵. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ ه. ق، معجم مقاییس اللغه، قم: انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ه. ق، عیون الاخبار الرضا، جلد دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ سوم.
۷. _____، ۱۳۶۸ ه. ش. معانی الاخبار، قم؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی. چاپ ششم.
۸. اصفهانی، حسین بن محمد راغب ۱۴۱۲ ه. ق، مفردات الفاظ القرآن، لبنان: دار الشامیه، چاپ اول.
۹. ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۶۱ ه. ش، خدا و انسان در قرآن ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت انتشار، چاپ اول.
۱۰. بابایی، احمد علی ۱۳۸۲، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.
۱۱. بروجردی، سید حسن. ۱۴۲۲ ه. ق جامع الحدیث شیعه، چاپ سوم، قم، انتشارات المهر.
۱۲. بهارستانی، اسماء؛ پناهی، معصومه؛ تأثیرات منفی آفات سه کانه زبان (غیبت، تهمت و بهتان) بر زندگی اسلامی مقاله احسن الحدیث پاییز و زمستان ۱۳۹۲ - پیش شماره ۱ (12 صفحه - از ۵۱ تا ۶۲)
۱۳. باقری، بید هندی ۱۳۶۳، گنج حکمت یا احادیث منظوم، قم: کتابفروشی و نشر روح، چاپ اول.
۱۴. پارسا فر و دیگران، ۱۴۰۰ تحلیل علت شناسی ارتکاب جرایم مبتنی با نفرت با اشاره به قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال ۱۲، شماره ۴۷، ۶۱۹-۶۴۱
۱۵. ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸، تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان، چاپ سوم.
۱۶. شیخ صدوق ۱۴۲۰ ه. ق، الامالی، چاپ پنجم، بیروت؛ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. جعفری، یعقوب ۱۳۷۶، تفسیر کوثر، قم: انتشارات هجرت، چاپ اول.
۱۸. حسینی همدانی، سید محمد حسین ۱۴۰۴، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی، چاپ اول.
۱۹. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ ه. ق. ققرب الاسناد. چاپ پنجم، بیروت؛ مؤسسه آل البيت (ع) احیاء التراث
۲۰. حمیری، نستوان بن سعید، ۱۴۲۰، شمس العلوم و دواء کلام، بیروت: دار الفکر معاصر، چاپ اول.
۲۱. حسینی سید محمد رضا، نقد و بررسی تطبیقی شأن نزول آیه «إفک» با رویکردی تاریخی پژوهشهای تفسیر تطبیقی، ۱۳۹۸، دوره ۴، شماره ۱، ۸۵-۱۰۹.

۲۲. خوانساری، آقا جمال الدین، ۱۳۶۶، غرر الحکم، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۳. رازی، ابوالفتح، ۱۴۰۸، روح الجنان و روح الجنان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ هشتم.
۲۴. رسولی محلاتی، سیدهاشم، روضه کافی (ترجمه رسولی محلاتی)، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، چاپ اول.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، تفسیر مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسر، چاپ سوم.
۲۶. طریحی، فخر الدین، ۱۴۱۶، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۸ ه.ق) المیزان، جلد اول، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسماعیلیان، دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ ه.ق، البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۱ ه.ق، اجوبه المسائل المهنائیه؛ قم: مطبعة الخيام.
۳۰. عمرانی فر، عدنان، زندی، محمد رضا، ۱۳۹۶ ه.ق، ممنوعیت و مقبولیت تخفیف مجازات در جرایم مستوجب حد، فصلنامه قضاوت، شماره ۹۰، ۳۳-۵۵.
۳۱. فتحی آشتیانی، علی، ۱۳۷۷، مقدمه ای بر روانشناسی سیاسی، تهران: موسسه انتشارات بعثت، چاپ اول.
۳۲. فلسفی، محمد تقی، بی تا، الحدیث - روایات تربیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ مکرر
۳۳. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، چاپ یازدهم.
۳۴. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، تفسیر احسن الحدیث، تهران بنیاد بعثت، چاپ سوم.
۳۵. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دار الکتب اسلامیة، ناشر استوار، چاپ پنجم
۳۶. مترجمان، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۳۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۷۹، بحار الانوار، تهران: اسلامیة، چاپ مکرر
۳۸. معین، محمد، ۱۳۸۷ ه.ق، فرهنگ معین، چاپ دهم، تهران؛ مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر
۳۹. نراقی، مولا مهدی، ۱۳۷۷، اخلاق اسلامی گزیده ترجمه جامع السعادت، تهران انتشارات حکمت، چاپ دوم

Charging individuals; Causes and consequences from the perspective of Quranic principles and narration

Abstract

Accusation of individuals is one of the cases that is strongly condemned in the Qur'anic principles and the narration of the religion of Islam. This descriptive-analytical study shows causes such as: resentment, jealousy, fear; Escape from punishment; greed; arrogance and self-aggrandizement lead to this moral vice and consequences such as: deprivation of psychological security; spread of prostitution; feeling of distrust; war and bloodshed; disgrace of the believer; Divine curse leads to disbelief and divine revenge. At the end of the discussion, it is concluded: Lack of attention to the Qur'anic teachings and narration regarding the accusation against individuals can be the source of many negative social and personal effects and the spread of this moral vice in the Islamic society can destroy the security of society and hinder growth and development. Exalted Muslims, and ultimately living in such a society where people easily blame others, can lead to many mental illnesses such as depression, anxiety and stress among people, so it is necessary to teach Quranic and narration regarding the accusation; Explain the effects and consequences so that people stay away from this moral vice

Keywords: Holy Quran, accusation against individuals, believer's reputation, moral depravity, social consequences.

